

LYRICLIT	Journal of Studies in Lyrical Language and Literature, 14 (50), Spring 2024 https://sanad.iau.ir/journal/lyriclit ISSN: 2717-0896 Doi: 10.71594/lyriclit.2024.979903
----------	---

Research Article

The Role of Non-Verbal Communication in Shahriar's Persian Poetry

Das Zarin, Jamshid

Ph.D. Candidate, Department of Persian Language and Literature, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran.

Oskooei, Narges (Corresponding Author)

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran.
E-Mail: noskooi@yahoo.com

Dadashi, Hossein

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran.

Abstract

The desired goal of any discourse, including literary discourses, is to have an effect on the mind and feelings of the audience in addition to conveying the message and media. The main characteristic of Shahriar's ghazal, like Hafez's term "it", is comprehensible, but indescribable, exemplary liveliness and tenderness, and its passionate and emotional effect on the soul and soul of the audience. Shahriar, Anan easily takes control of the audience's emotional actions and feelings and takes him along with him, through thousands of human experiences and at different stages of life. Many researches have been conducted to find the source of this effect in Shahriar's poetry, which is found on the one hand in the sensory richness and emotional-perceptual richness of "I" and Shahriar's personality, i.e., author-oriented research, and on the other hand, in his creative linguistic and artistic abilities, i.e., text-oriented research. The main issue of the current research was to investigate the quality of the impact of Shahriar's Persian ghazals, the founder of communication science, and to investigate the process of non-verbal communication. This research was carried out by analytical-descriptive method and the following results were obtained: Shahriar has beautifully linked the existing but invisible meanings of language and culture and while establishing the kinship between linguistics and culture, it shows their mutual need for each other. Another point that can be understood from this profound thought of Shahriar in terms of culture, society and communication is to pay attention to the indicativeness of body postures. Being a marker means that the specific member in question takes a form that is a function of space and place.

Keywords: Lyrical literature, non-verbal communication, poetry, Shahriar, audience.

Citation: Das Zarin, J.; Oskooei, N.; Dadashi, H. (2024). The Role of Non-Verbal Communication in Shahriar's Persian Poetry. Journal of Studies in Lyrical Language and Literature, 14 (50), 20-38. Doi: 10.71594/lyriclit.2024.979903

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granded to Journal of Studies in Lyrical Language and Literature. This is an open – accses article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



فصلنامه علمی- تخصصی مطالعات زبان و ادبیات غنایی
گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد
سال چهاردهم، شماره پنجاه، بهار ۱۴۰۳، ص. ۲۰-۳۸

مقاله پژوهشی

نقش ارتباطات غیرکلامی در غزلیات فارسی شهریار

جمشید داس زرین^۱

نرگس اسکویی^۲

حسین داداشی^۳

چکیده

غایت مطلوب هر گفتمانی و از جمله گفتمان‌های ادبی، آن است که علاوه بر انتقال پیام و رسانگی، بر ذهن و احساس مخاطب هم اثرگذار باشد. اصلی‌ترین خاصیت غزل شهریار همچون «آن» مصطلح حافظ، قابل درک، اما غیرقابل توصیف، جاننداری و لطافت مثال‌زدنی و اثرگذاری پرشور و احساسی آن بر روح و جان مخاطب است. شهریار، عنان اختیار کنش‌های عاطفی و احساسات مخاطب را به راحتی در دست می‌گیرد و او را همراه با خود، از هزار توی تجربیات زیسته آدمی و در مراحل مختلف عمر می‌گذراند. تحقیقات بسیاری برای جست‌وجوی منشأ این اثرگذاری در شعر شهریار انجام گرفته است که آن را از یک‌سو در غنای حسی و گنجایی عاطفی-ادراکی «من» و شخصیت شهریار یعنی تحقیقات مؤلف‌محور و از سوی دیگر در توانایی‌های خلاقانه زبانی و هنری او یعنی تحقیقات متن‌محور می‌جوید. مسأله اصلی تحقیق حاضر، بررسی کیفیت اثرگذاری غزل‌های فارسی شهریار از راهگذار علم ارتباطات و بررسی فرایند ارتباطات غیرکلامی بوده است. این تحقیق به روش تحلیلی - توصیفی انجام شد و در آن این نتایج به دست آمد: شهریار به زیبایی، معانی موجود ولی ناپیدای زبان و فرهنگ را به هم پیوند داده و ضمن برقراری خویشاوندی بین زبان‌شناسی و فرهنگ، نیاز متقابل آن‌ها به یکدیگر را نشان می‌دهد. نکته دیگری که از این اندیشه ژرف شهریار به لحاظ فرهنگی، اجتماعی و ارتباطی فهمیده می‌شود، توجه به نشانگر بودن حالت‌های بدنی است. نشانگر بودن به این معنا که عضو خاص مورد نظر، شکلی را به خود می‌گیرد که تابع فضا و مکان است.

کلیدواژه‌ها: ادبیات غنایی، ارتباطات غیرکلامی، تغزل، شهریار، مخاطب.

۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران.

۲. دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران. (نویسنده مسئول) noskooi@yahoo.com

۳. استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱/۲۴

۱. مقدمه

تحلیل کیفیت اثرگذاری کلام بر عاطفه و اراده مخاطب، تاریخی دیرینه‌تر از نقد ادبیات و هنر دارد. فلاسفه یونان در آثاری چون فن خطابه و بوطیقای شعر، و به دنبال ایشان، اهل بلاغت سرزمین‌های مختلف، مثل بلاغیون اسلامی از کیفیت و نحوه اثربخشی زبان و گفتار بر مخاطب بسیار سخن رانده‌اند. این خاصیت مطلوب (یعنی نفوذ کلام بر مخاطب) در لایه‌های مختلف زبان و قواعد زیبایی‌شناختی سخن بررسی می‌شود و نشان می‌دهد که یکی از اهداف مهم زبان، (که در هنر و ادبیات گاه بر هدف اصلی آن یعنی رسانگی و ایصال پیام هم پیشی می‌گیرد) برقراری ارتباط اثربخش با مخاطب است. امروزه نیز حوزه‌های متعدد و متنوعی از علوم انسانی و تجربی، به گونه تخصصی، تمرکز خود را بر این مسأله نهاده است: نقد بلاغی، روان‌شناسی رسانه، روان‌شناسی مخاطب، مخاطب‌پژوهی و علوم ارتباطات که هر کدام در قالب مطالعات میان‌رشته‌ای، بحث‌ها و تحقیقات گسترده و متنوعی را در موضوع حالات زبان (متن/رسانه/زبان)، متکلم (و هوش کلامی او) و مخاطب انجام می‌دهد، امکان شناخت بیشتر از هر سه عنصر مذکور و رابطه موثرتر آن را تبیین می‌کند. در ادبیات کهن سال فارسی نیز، توجه به مخاطب و مقتضیات حال کلام و متکلم در میان شاعران آگاه به ویژگی‌های زبان (به عنوان یک رسانه) کاملاً مشهود است. نظامی گنجوی، در مقدمه داستان لیلی و مجنون، هم‌چنان که از ظرفیت‌های کم اصل داستان (تنگی مسافت) می‌گوید، جان‌داری داستانی که پرداخته (بحر رونده- ماهی زنده) و عمق نفوذ کلامش بر مخاطب را (که محصول سخن‌دانی و مخاطب‌شناسی اوست) توصیف می‌کند و معتقد است که شعر او بر مخاطب زنده (حتی در افسرده‌ترین حالتش) تأثیر مثبت دارد و او را به وجد و عاشقی سوق می‌دهد:

بحری است سبک ولی رونده ماهیش نه مرده، بلکه زنده
با آن همه تنگی مسافت آن‌جاش رساندم از لطافت
خواننده‌اش اگر فسرده باشد عاشق شود، از نمرده باشد
(نظامی، ۱۳۸۹: ۴۶)

در حکایتی معروف از باب دوم گلستان سعدی، روایت روان‌شناسانه از رابطه دوسویه متکلم و اثرگذاری کلامش بر مخاطب و تأثیر مخاطب خوب بر متکلم، می‌یابیم؛ آن‌جا که سعدی از شوری که کلام «به طریق وعظ»ش در جامع بعلبک بر جان «رونده‌ای بر کنار مجلس» می‌افکند، می‌گوید: «دور آخر در او اثر کرد و نعره‌ای زد که دیگران به موافقت او در خروش آمدند و خامان مجلس در جوش» (سعدی، ۱۳۸۵: ۱۶۴). مولوی هم به اثربخشی کلام، توجه آگاهانه و ویژه‌ای دارد. او در ابیات بسیاری از نقش مستمع در شکل و ساختار کلام می‌گوید. اگر نظامی جان و دل خواننده را محل اثربخشی شعر خود می‌یابد، مولوی به فهم و ادراک مخاطب نظر دارد و فراتر از درک وی سخن نمی‌گوید: «این چه می‌گویم به قدر فهم توست» (مولوی، ۱۳۸۷: ۲۴۱) و با فراست و زیرکی متوجه است که ذهن مستمع را با کلام خود به کدام سمت می‌برد و نگران تأثیرات ناخواسته سخن بر اوست «مستمع را رفت دل جای دگر» (همان: ۱۹۸). کلام خشک و بی‌روح، واکنش‌های ملال‌آور مخاطب را به همراه دارد که گویاتر از همه این نشانه‌ها، خمیازه مستمع است و متکلم پیوسته باید متوجه این علائم هشداردهنده باشد و نگذارد که کار به این مرحله از ملال برسد:

مگو پوچ تا نشنوی حرف پوچ که خمیازه، خمیازه می‌آورد
(صائب، ۱۴۰۲: ۷۳۲)
نشنوی تا حرف پوچ، از پوچ گفتن لب ببند باعشی خمیازه را بالاتر از خمیازه نیست
(همان: ۵۱۱)

ادبیات عرفانی، اوج مبالغه در اثربخشی کلام را به‌نمایش می‌گذارد. عطار از تأثیر عمیق سخن اهل دل چنین روایت می‌کند:

خواجه اکافی درآمد در سخن خلق می‌بالید ازو چون سرو بن
منبرش گویی و رای عرش بود آسمان در جنب او چون فرش بود
در بلندی سخن چندان برفت کان زمان از خلق گویی جان برفت
چون بلندی سخن می‌داد دست مستمع بیهوش می‌افتاد پست
(عطار، ۱۴۰۱: ۲۰۷)

عطار وقتی در تذکره‌الاولیاء، حالات و کرامات «سمنون محب» را گزارش می‌کند، در وصف قدرت و نفوذ کلام وی، -نه فقط بر هم‌نوع، بلکه بر اشیا و حیوانات- این چنین داد سخن می‌دهد: «نقل است که چون به حجاز رفت اهل فید او را گفتند: «ما را سخن گوی». بر منبر شد و سخن می‌گفت. مستمع نیافت. روی به قنادیل کرد که: «با شما می‌گویم سخن محبت». درحال آن قنادیل بر یکدیگر می‌آمدند و پاره می‌شدند. نقل است که یک روز در محبت سخن می‌گفت. مرغی از هوا فرو آمد و بر سر او نشست؛ پس بر دست او نشست؛ پس بر کنار او نشست؛ پس از کنار بر زمین نشست؛ پس چندان منقار بر زمین زد که خون از منقار او روان شد؛ پس بیفتاد و بمرد». (عطار، ۱۹۵: ۵۴۰) این حکایت و بسیاری دیگر نظایر آن، بازتاب‌دهنده میل و انتظار جمعی شعرا و عرفا و طبعاً عامه مردم، از میزان شدت و عمق تأثیر کلام بر مخاطب است (مرگ/ بی‌هوشی/ جامه بر تن چاک کردن و). از همین جاست که یکی از نازش‌های اصلی شاعران در سنت شعر فارسی، فخر به میزان شدید اثربخشی شعرشان بوده است:

مستمع را می‌برد صائب کلام من ز هوش کیست تا آید برون از عهده تحسین مرا؟
(صائب، ۱۴۰۲: ۱۱۵)

نظامی چندین بار در منظومه‌های مختلف، به اثرگذاری عمیق شعرش بر جان و دل مخاطب، فخر نموده:

شکر دانم از هر لب انگیختن گلابی ز هر دیده‌ای ریختن
کسی را که در گریه آرم چو آب بخندانمش باز چون آفتاب
(نظامی، ۱۳۸۶: ۱۸۹)

حافظ هم مفاخرات مبالغه‌آمیز و شیرینی دارد که به اثر کلامش بر مخاطب اشاره دارد. او معتقد است که اثربخشی گفته‌اش، مرزهای زمینی را درنوردیده و می‌تواند آسمانیان را (به‌ویژه مسیحا را که خود زنده‌کننده مردگان است) به هم شور و رقص آورد:

در آسمان نه عجب گر به گفته حافظ سرود زهره به رقص آورد مسیحا را
(حافظ، ۱۳۹۵: ۸۶)

بحث بر سر کیفیت کلام اثرگذار، هم‌چنان که در علم بلاغت از آن سخن می‌رود، در میان اشعار گویندگان نیز مطرح است و با اشاراتی مستقیم و یا استعاری تبیین می‌شود. توصیفاتی نظیر: تازه، غریب، پخته، شیرین، لطیف، زنده، جان‌دار، از دل برآمده، آراسته و ... برای ذکر خصلت قابل درک، اما غیرقابل توصیف «اثربخشی کلام بر مخاطب» به‌فراوانی در شعر فارسی استفاده می‌شود:

اصل شعر و روح شعر ان یدرک لایوصف است مابقی گو وزن باشد غیر تشریفات نیست
شعر را مقصد به جز تلطیف احساسات نیست شعر که تشجیع و گه تسکین نفس آدمی است

گر به مقیاسات هست و گر به مقیاسات نیست شعر نبود گر در او تحریک یا اسکات نیست
(شهریار، ۱۴۰۱: ۵۲۳)

شهریار با اصطلاح حسی «داد دوز: مزه، نمک، هر چاشنی که بر طعم و مزه غذا بیفزاید» از این مفهوم یاد کرده است و تأکید می‌کند که شعر حتماً باید چنان «دادلی: طعم‌دار و لذیذ» باشد که مخاطب از آن سیر نشود:

پیشمیش کیمی شعرین ده گره‌ک داد دوزو اولسون کند اهلی بیلرلر کی دوشابسیز خشیل اولماز
(شهریار، ۱۴۰۱: ۴۲۶)

در نگاه شهریار اعتبار سخن به درستی و راستی سخن است و گرنه سخن دروغ و کذب هیچ‌گونه اعتباری ندارد: منی باشندان چیخارماق چین یارامازلاردا سؤیلردی سؤزه چوخ اعتبار ائتمه کی دوز واردیر یالان واردیر
(شهریار، ۱۳۶۸: ۹۹)

شیردیر شهریارین شعری الینده شمشیر کیم دئیهر من بئله بیر شیربله دعویه گلیم
(همان: ۱۱۴)

تازا شاعیر بو دنیز هر نه باخیرسان دیبی یوخ چوخ اوزاتسان سؤزو سن اؤردگی قاز ائيله میسن
(همان: ۱۲۰)

در مطالعات شهریارپژوهی نیز، اشارات، تعبیر و توصیفات بسیاری در نقد شعر و شخصیت شهریار یافت می‌شود که مستقیم و غیرمستقیم به این خاصیت (عاطفی بودن شاعر و اثرگذاری احساسی کلامش بر مخاطب) شعر و بیان شهریار مربوط می‌شود: ساده و صمیمی، رمانتیک (شفیعی کدکنی، صدری‌نیا، ۱۳۸۲)؛ دارای صدق عاطفی (شفیعی کدکنی، با آب و آینه)؛ نوستالژیک (قربانی و همکاران، ۱۳۹۱؛ اسکویی، ۱۳۹۶؛ بیانی نژاد و همکاران: ۱۳۹۸) و ...؛ فریدون مشیری، شهریار و شعرش را تجسم عینی محبت و عاطفه در عصر خود می‌داند: «در نیمه‌های قرن بشرسوزان/ اشک مجسمی بود، در چشم روزگار./ جان‌مایه محبت و رقت./ ای وای شهریار» (مشیری، ۱۴۰۲: ۲۲۳). این شواهد و بسیاری دیگر، گویای باورمندی اغلب خوانندگان و منتقدان شعر شهریار به این مسأله است که شهریار در اشعار غنایی-عاطفی خود، بسیار به حسیات و عواطف انسانی نزدیک می‌شود. این امر در درک ژرف و همذات‌پندارانه مخاطب از پاره‌ای اشعار دلی شهریار، بسیار مؤثر افتاده است. حتی وقتی که علوم و نظریه‌های ادبی و دانش زبان‌شناسی و مطالعات میان‌رشته‌ای دیگر هم به یاری این بحث می‌آید تا خصلت اثرگذاری کلام را بشکافد و بازشناساند، باز هم از مسائلی کلی سخن می‌رود که پاسخ‌گوی همه مسائلی ارتباطی کلام و شعر نیست: سازه‌های ادبی، ارتباط موسیقی شعر با مضمون، انتخاب لحن درست، آشنایی‌زدایی، اشکال روایت، عناصر روایی، تصویرسازی، توصیف‌گری، نوع گزینش ابزارهای ادبی و ترتیب چینش آن، مضمون‌پردازی، تکرار معانی، بازی‌های زبانی و چالش‌های ذهنی، تقابل‌های دوگانه و تضادها و ... گویای چرایی وجود آن ویژگی مطلوب و آرمانی کلام نیست؛ زیرا به کلیت اندامواره شعر نظر ندارد. شاید هم نهایتاً همه تلاش‌ها و مطالعات در زمینه ارتباط ذهن و زبان، ساختار شعر و تقویت هوش کلامی و ... به نقطه‌ای برسد که حافظ مطرح می‌کند و آن را نعمتی خدادادی می‌داند که به کوشش‌های شاعرانه ارتباطی ندارد: «قبول خاطر و لطف سخن خداداد است» (حافظ، ۱۳۹۵: ۳۱۰) و البته نظر شهریار هم همین است:

شاعیر اولای بیلمزسن آنان دوغماسا شاعیر میس سن آ بالام هر ساری کؤینک قیزیل اولماز
(شهریار، ۱۴۰۱: ۴۴۲)

۱.۱. بیان مسأله

نفوذ کلام و اثربخشی عاطفی عمیق بر مخاطب، از ویژگی‌های برجسته برخی شاهکاری شعری شهریار و از جمله بعضی غزلیات فارسی اوست. این دسته اشعار، عموماً مضامین غنایی داشته و برآمده از حسیات راستین و تجربیات زیسته به‌اضافه تخیل رمانتیک شهریار است. مسأله اصلی پژوهش حاضر، در جهت تحلیل و تبیین کیفیت اثرگذاری شعر شهریار بر مخاطب شکل گرفته است و به بررسی نقش انواع ارتباطات غیرکلامی در این موضوع و جایگاه مهم این عناصر، در تحکیم و تأکید لحن و مفاهیم حسی-عاطفی غزلیات فارسی شهریار می‌پردازد. ساحت ادبیات و به‌طور خاص شعر، از مواردی است که در ظاهر و در نخستین نگاه، به‌واسطه استفاده مستقیم از نوشتار و زبان، بیانگر ارتباط کلامی است، ولی با اندکی تأمل می‌توان دریافت که موارد غیرکلامی بسیاری می‌تواند در نوع برداشت مخاطب از متن‌های مختلف با مضمون مشابه، نقش داشته باشد؛ در ادبیات، ارتباطات کلامی و غیرکلامی بر هم منطبق هستند و باهم ارائه می‌شوند. اشاره‌های غیرکلامی، شعر شهریار را به شعری تفسیرپذیر، عمیق و چندمعنا برای مخاطب تبدیل کرده است و تحقیق در آن می‌تواند سهمی در مطالعات زیبایی‌شناختی و بلاغی غزل شهریار داشته باشد. در این تحقیق میان‌رشته‌ای، از روش پژوهشی توصیفی و تحلیل محتوای استدلالی استفاده می‌شود. حل مسأله تحقیق، از طریق پاسخگویی به پرسش‌های زیر حاصل می‌شود:

- الف. نحوه پیوند ارتباطات کلامی و غیرکلامی در غزلیات فارسی شهریار چگونه است؟
- ب. ارتباطات غیرکلامی چه تأثیری بر تقویت مفهوم، لحن، تصویرگری و بلاغت زیبایی‌شناختی در این اشعار داشته است؟
- ج. فرایند ارتباطات غیرکلامی چه تأثیری بر غنایی تر و حسی‌تر شدن غزل شهریار داشته است؟

۲.۱. پیشینه پژوهش

ارتباطات غیرکلامی تاکنون در مطالعات شهریارپژوهی مورد توجه پژوهشگران نبوده؛ اما آثار دیگری از ادب فارسی، بر اساس این نظریه میان‌رشته‌ای، نقد و تحلیل شده است. هدف عمده از این تحقیقات، دریافت نحوه تعامل مؤثر و اثرگذاری ویژه شاعران برجسته بر مخاطب است. ازجمله این پژوهش‌ها می‌توان به این مقالات اشاره کرد: «ارتباطات غیرکلامی در شعر حافظ: نقش ارتباطات غیرکلامی در تفسیر و پذیرش حافظ از سوی مخاطبان» (قبادی و زارع، ۱۳۹۴)؛ «نقش ارتباطات غیرکلامی شعر اخوان ثالث در القای اندیشه یأس و ناامیدی» (میرزائیان، صفری و بنی‌طالبی، ۱۳۹۸) و «فرایند ارتباطات غیرکلامی در مرثی خاقانی» (داس‌زرین و اسکویی، ۱۴۰۲). نتیجه حاصل از این مطالعات، تأیید و ثبوت این امر است که در زبان شعر، عوامل غیرکلامی به یاری شاعر و کلام او می‌آید تا مضمون‌سازی‌ها و خلاقیت‌های منظور نظر وی را هر چه کارآمدتر و مؤثرتر به مخاطب انتقال دهد؛ هم‌چنین ابزار ارتباط غیرکلامی، بار عاطفی و حسی کلام و لحن دلخواه شاعر را به منظور افزایش قدرت نفوذ و القاگری آن افزایش می‌دهد. نیز مؤلفه‌های ارتباطات غیرکلامی به عنوان نشانه‌های فرهنگی-اجتماعی مشترک بین مؤلف و مخاطب، نظیر رسانه‌ای مستقل و در عین حال مکمل متن ایفای نقش می‌کند. بنابراین ضرورت انجام تحقیق حاضر در آن است که درک درست از بخش قابل توجهی از کیفیت ارتباط مؤثر این شعر با مخاطب و نحوه نفوذ کلام شهریار بر عواطف و حسیات خواننده شعرش، بدون تحلیل فرایند ارتباطات غیرکلامی در شعر او، امکان‌پذیر نخواهد بود.

۲. بحث

۱.۲. فرایند ارتباطات غیرکلامی

از ارتباطات غیرکلامی تاکنون تعریف‌های بسیاری ارائه شده است. به‌عنوان نمونه، مایکل آرژیل این تعریف را مطرح می‌کند: «ارتباطات غیرکلامی یا پیام‌رسانی بدنی، هنگامی روی می‌دهد که یک فرد به‌وسیله حالت‌های چهره، لحن صدا و یا

هر مجرای ارتباطی دیگر، فرد دیگری را تحت تأثیر قرار دهد. این امر ممکن است عمدی یا غیرعمدی باشد» (آرژیل، ۱۹۹۰: ۱۲). همچنین سی مک کروسیکی در کتاب «رفتار غیرکلامی در روابط میان فردی» به این تعریف رسیده است: «فراگردی نشانه‌وار که یک شخص، معنایی برانگیزاننده را در ذهن شخص یا اشخاصی دیگر به‌وسیله انواع پیام‌های غیرکلامی ایجاد می‌کند» (فرهنگی و دیگران، ۱۳۸۵: ۸۹) به عبارت دیگر، ارتباطات غیرکلامی به‌طور کلی به تمام جنبه‌های ارتباط به‌جز کلمه‌ها اطلاق می‌شود. ارتباطات غیرکلامی عبارت‌اند از پیام‌های آوایی و غیر آوایی که با وسایلی غیر از وسایل زبانی و زبان‌شناسی، ارسال و تشریح شده‌اند (فرهنگی، ۱۳۷۵: ۱۵).

ما در زندگی روزمره به‌طور مرتب پیام‌های غیرکلامی می‌فرستیم. این پیام‌های غیرکلامی در کنش‌های متقابل انسانی می‌توانند بسیار مهم‌تر از اعتباری باشند که ما برای آن‌ها قائلیم. زبان گفتاری، نشانه‌ای از هوشیاری انسان است. به همین ترتیب ارتباط غیرکلامی نیز شامل حرکات و اشاره‌های ارادی می‌شود، ضمن اینکه حرکات غیرارادی مانند تغییر در اندازه مردمک را نیز دربر می‌گیرد؛ علائمی که به آن‌ها، علائم خودکار می‌گویند و حرکات‌هایی که فقط تا حدودی زیر نظارت ارادی ما هستند. مانند آنچه چهره، میزان صدا و فاصله فیزیکی دیگران به ما می‌گوید، وجود فاصله بین فرستنده و گیرنده، خود نوعی پیام است (محسنیان راد، ۱۳۸۵: ۲۴۶). درواقع پیام‌هایی که با استفاده از کلمه‌ها و جمله‌ها فرستاده می‌شوند، معمولاً با نظم غنی از علائم غیرکلامی همراه هستند که پیام کلامی را حمایت، اصلاح و یا حتی عوض می‌کنند.

اون هارچی معتقد است که در ارتباطات میان فردی معمولی، یک‌سوم معانی اجتماعی از طریق مؤلفه‌های کلامی و دوسوم باقیمانده از طریق کانال‌های غیرکلامی انتقال می‌یابد. بیردوسل نیز مشخص کرده است که تنها ۳۵ درصد معنی در یک وضعیت خاص با کلام منتقل می‌شود و ۶۵ درصد باقیمانده آن در زمره غیرکلامی است (فربودنیا، ۱۳۹۲: ۶۹). البته دانشمندان دیگری نیز مانند آلبرت مهربان سهم ارتباطات غیرکلامی را بیش از این می‌دانند و حتی معتقدند ۹۳ درصد انتقال معانی در جریان ارتباط از طریق رفتارهای غیرکلامی صورت می‌گیرد. باین حال تاکنون نسبت پژوهش‌هایی که در زمینه ارتباطات غیرکلامی انجام شده به مراتب پایین‌تر از پژوهش‌های مشابه در زمینه کلام بوده است.

۲.۲. رابطه ارتباطات غیرکلامی با ارتباطات کلامی

رابطه جایگزین: مانند تکان دادن سر به طرف بالا و پایین به علامت تأیید و «بله» گفتن.

رابطه مکمل: مانند هم‌زمانی تکان دادن سر به طرفین به همراه گفتن کلمه «نه».

رابطه متعارض: گاهی حرکات بدنی یک فرد در تعارض با پیام کلامی او انجام می‌شود. گریگوری باتسون این حالت را در قالب نظریه بن بست دوسویه معرفی می‌کند (فربودنیا، ۱۳۹۲: ۹۸).

رابطه مؤکد: در این رابطه، پیام غیرکلامی، پیام کلامی را مورد تأکید قرار می‌دهد (فرهنگی، ۱۳۷۵: ۱۸).

۳.۲. تفاوت‌های ارتباطات کلامی و غیرکلامی

۱- ارتباط غیرکلامی قابل‌اعتمادتر است. پنهان نمودن و وانمود کردن نشانه‌های غیرکلامی بسیار دشوارتر از پنهان کردن نشانه‌های کلامی است؛ ۲- ارتباط غیرکلامی چندکانالی است درحالی‌که ارتباط کلامی تنها از یک کانال - به‌عنوان مثال در ارتباط رودررو از طریق زبان، در ارتباط غیرمستقیم مکتوب از طریق نوشتار و... - منتقل می‌شود؛ ۳- ارتباط غیرکلامی یکسره و مداوم است. درحالی‌که ارتباط کلامی در بسیاری از مواقع با سکوت از بین می‌رود، هم‌زمان ارتباط غیرکلامی جریان دارد (برکو و دیگران، ۱۳۸۲: ۱۰۷).

۴.۲. نشانه‌های غیرکلامی

انواع رفتارهای حرکتی افراد از جمله حالت چهره، حرکت‌های بدن، ژست‌ها و حرکت‌های تنظیم مکالمه از مهم‌ترین نشانه‌های ارتباطات غیرکلامی هستند که در این مقاله نیز از آن‌ها استفاده شده است. نشانه‌های غیرکلامی را به‌طور کلی می‌توان به موارد زیر طبقه‌بندی کرد:

حالت‌های چهره، وضع ظاهری، عوامل صوتی یا فرازبان، عوامل بویایی، فاصله فیزیکی، شرایط محیطی، زمان و مکان، اشاره و حرکت‌های دست‌ها، الگوهای بین فردی ارتباط تماسی یا لامسه‌ای.

۵.۲. محتوای آشکار و پنهان

یکی از مسائل بحث‌برانگیز در حوزه تحلیل محتوا این است که آیا تحلیل محتوا، تنها به قواعد آشکار و مشخص درون‌متن می‌پردازد، یا به محتوای پنهان و ضمنی در متن نیز توجه دارد. مدافعان تحلیل محتوای آشکار استدلال می‌کنند که پرداختن به محتوای پنهان، عینیت پژوهش را دچار خدشه و خلل می‌کند و ذهنیت پژوهشگر را در استنباط محتوای پنهان باز می‌گذارد. از سوی دیگر، حامیان پرداختن به محتوای پنهان در تحلیل محتوا معتقدند محدود کردن تحلیل محتوا به محتوای آشکار، این شیوه را سطحی و فاقد یافته‌های علمی قابل توجه می‌کند. با توجه به این دیدگاه‌ها و با توجه به ماهیت شعر و ادب فارسی، به‌سادگی می‌توان دریافت که توجه صرف به محتوای آشکار نه تنها امکان‌پذیر نیست، بلکه اساساً چنین تحلیلی در صورت انجام شدن، بخشی از اصلی‌ترین ویژگی‌های این هنر را نادیده انگاشته و به‌طور حتم جایی از مطلب را نادیده رها خواهد کرد؛ زیرا در طول سالیان دراز، به دلیل شرایط جامعه، شعر فارسی تنها پناهگاه رازهای ناگفته نسل معاصر زمان خود در بیان واگویی‌های اجتماعی بوده و همچنین میراثی است رازگونه که با کلیدهای زبان و ادب فارسی، برای نسل‌های بعدی قابل گشایش است. عواملی چون طبقه، سن، جنسیت و تعلق قومی و نژادی مخاطب و مانند آن در شکل‌گیری معانی ضمنی دخالت دارند (سجودی، ۱۳۸۷: ۷۸) و در واقع، شناخت محتوای پنهان اشعار و به‌طور کلی ادبیات، محل تلاقی ادبیات و تفسیرگرایی فرهنگی به حساب می‌آید. گشودن این نمادها و نشانه‌ها و تبدیل آن‌ها به معنای قابل تفسیر، از طریق این ویژگی ادبیات انجام می‌شود.

۶.۲. نقش ارتباطات غیرکلامی در غزلیات فارسی شهریار

شهریار بارها از مضمون ارتباط غیرکلامی استفاده کرده و با اشاره مستقیم به این مقوله، رمزگذاری و رمزگشایی اهل نظر را که مصداق معنای ارتباط غیرکلامی است، از ویژگی‌های اهل بشارت می‌داند:

دهان غنچه مگر بازگو کند به اشارت حکایت دل‌تنگی به چون تو تنگ‌دهانی

(شهریار، ۱۴۰۱: ۴۱۴)

همچنین عنصر «راز» که یکی از واژه‌های آشنای شعر شهریار است و همواره در عرفان جایگاه ویژه‌ای دارد، یکی از جایگاه‌های اشارت و نظر با عنوان عنصری از عناصر ارتباطات غیرکلامی در این غزلیات است که شهریار به‌ویژه در غزلیاتی که با مضمون‌های عارفانه سروده است، به خلق بستری غیرکلامی و به‌کارگیری عناصری ویژه برای تبیین این مضامین پرداخته است:

یسار ب چها به سینۀ این خاکدان در است کس نیست واقف این همه راز نهفته را

(همان: ۹۰)

لب دوخت هر که را که بدو راز گفت دهر تا باز نشنود ز کس این راز گفته را

(همان)

زیر هر پرده ساز تو هزاران راز است بیم آن است که از پرده فتد راز امشب
(همان: ۹۶)

تو حلقه بر در راز قضا ندانی زد مگر که ره به حریم رضا توانی یافت
(همان: ۱۴۱)

در بیت‌های زیر شهریار با اینکه زبان خاموش است، اما همواره در حال ردوبدل کردن کلام است:
گرچه خاکسترم و مصلحتم خاموشی است آتش افروزم و شرح شب هجران گویم
(همان: ۳۳۵)

کس نیست در این گوشه فراموش‌تر از من وز گوشه‌نشینان تو خاموش‌تر از من
(همان: ۳۵۳)

شمع اشک‌بارم داد در شب جدایی یاد با زبان خاموشی شیوه خدا خوانی
(همان: ۴۱۳)

همین چند بیت را می‌توان به عنوان تعریف‌های مهمی از ارتباطات غیرکلامی برشمرد و بهانه‌ای برای جستجوی بیشتر در کاربرد انواع ارتباطات غیرکلامی در شعر شهریار به دست آورد.

بنابراین و بر اساس آنچه تاکنون گفته شد، شعر شهریار سرشار از ناگفته‌ها و رمزگذاری‌هاست و شهریار در اشعار خود همواره در پی بیان غیرمستقیم و فارغ از کلام و همچنین دادن نشانه‌های مشخص به مخاطب خود برای رمزگشایی از نمادها و تفسیر معانی این ناگفته‌هاست در این میان شهریار البته عناصری را برای در میان گذاشتن راز در نظر داشته است. برای نمونه می‌توان به نقش ارتباطی «باد صبا» برای بیان ناگفته‌ها در سرتاسر غزلیات شهریار اشاره کرد. به‌ویژه «باد صبا» که علاوه بر ظاهر شدن با عنوان کنشگر ارتباطی، همواره پیام‌رسان و بازگوکننده رازهای مگو به دیگران است. باد صبا در اشعار شهریار، نقش‌های ارتباطی بسیاری را بر عهده دارد در نقش منبع مطلع است، در جایگاه فرستنده، خبررسانی می‌کند، پیام می‌دهد، در نقش مجرا یا کانال، پیام و مفاهیم را منتقل می‌کند، در جاهایی نقش پیک و قاصد را دارد، گیرنده پیام است، معنا را در ذهن گیرنده متبلور می‌کند و خلاصه اینکه نقش‌های ارتباطی گوناگونی را می‌توان از باد صبا مشاهده کرد و این نقش‌ها را می‌توان در بیت‌های زیادی نمونه آورد؛ مانند:

اشاره غزل خواجه با غزاله توست صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را
(همان: ۷۹)

ای صبا گر به پریشانی من بخشایی تاری از طره آن عهدشکن بازرسان
(همان: ۳۳۸)

می‌توان گفت که صرف‌نظر از تمام ویژگی‌های منحصر به فرد و عمومی غزلیات شهریار، این شاعر با خلق فضایی یکسان، با عنوان بستری جاری در تمام اشعار، توانسته است به رمزگشایی آن‌ها بسیار کمک کند.

نشانه‌های ارتباطات غیرکلامی در شعر شهریار با توجه به شکل به کار گرفته شده و همچنین شیوه استفاده از قابلیت ظاهری اشعار فارسی، قابل بررسی و بازیابی معنایی است. هرچند به باور عده‌ای، این گونه بررسی اشعار، ما را از عمق معنا دور می‌کند، اما بی‌گمان، بررسی این جنبه از شعر فارسی، بسیار پراهمیت و درعین حال مغفول مانده است همان‌گونه که خواهیم دید، این نشانه‌ها به دسته‌های حالت‌های چهره، حالت‌های بدن، وضع ظاهری، عوامل صوتی و فرازبان، عوامل بویایی، اشاره و حرکت دست‌ها، فاصله فیزیکی و همچنین الگوهای بین فردی ارتباط تماسی یا لامسه‌ای تقسیم شده‌اند. باید به این نکته توجه داشت

که نسبت به کار گرفته شدن این نشانه‌ها در شعر شهریار با توجه به ماهیت شعری آن، با ارتباطات شفاهی و معمول متفاوت است و به‌طور مشخص، بیشتر کاربردها در جاهایی است که همراهی بیشتری با متن وجود داشته باشد و در تأیید و تحکیم متن به‌کاررفته باشد.

۱.۶.۲. حالت‌های چهره

چهره، نخستین جایگاه نشان‌دهنده وضعیت عاطفی افراد است و در روابط میان فردی و اجتماعی نقش بسزایی را ایفا می‌کند (کارن و دیگران، ۲۰۰۹: ۹)؛ زیرا می‌توان بازخوردهای شخصی و اجتماعی کلام و پیشامدهای پیرامون را در حالت‌های چهره جستجو کرد. درواقع چهره پس از سخن گفتن، مهم‌ترین منبع اطلاعاتی افراد است. به‌طورکلی در چهره انسان، شش هیجان مختلف و اساسی به‌روشنی تجلی می‌کند که عبارت‌اند از: خشم، ترس، شادی، غم، تعجب و تنفر. یافته‌های روان‌شناسان نشان می‌دهد که ارتباط میان تجارب هیجانی و حالات چهره، ارتباطی واقعی و بسیار اساسی است (فرانزوی، ۱۳۸۶: ۸۳) که در ادامه، مصادیق و نشانه‌های آن را با عنوان ظهور این دسته از ارتباطات غیرکلامی در شعر شهریار بررسی خواهیم کرد. به‌طورکلی می‌توان به خنده، حالت‌های ابروها و پیشانی، انواع ارتباطات چشمی، لب به دندان گزیدن و رنگ رخساره در اشعار شهریار با عنوان مصادیق استفاده مستقیم از حالت‌های چهره اشاره کرد.

۱.۱.۶.۲. خنده

خنده از نمودهای چهره‌ای غیر گفتاری و ابزار کمکی زبان بدن می‌باشد. خنده می‌تواند در شرایط گوناگون معانی متفاوت داشته باشد. رضایت، شادکامی و عشرت و تمسخر از مفاهیمی است که از خنده القا می‌شود. یکی از نیروهای محرکه در ارتباط غیرکلامی لبخند زدن است:

دستی که گاه خنده بر آن خال می‌بری ای شوخ سنگدل دلم از حال می‌بری
(شهریار، ۱۴۰۱: ۳۹۶)

پیداست از گلاب سرشکم که من چو گل یک روز خنده کردم و عمری گریستم
(همان: ۲۸۹)

بیگانه کند در غم ما خنده ولی ما با چشم خودی در غم بیگانه بگیریم
(همان: ۳۳۶)

ای غنچه گلی که لب از خنده بسته‌ای باز آ که چون صبا به دمی بشکفانم
(همان: ۱۴۷)

۲.۱.۶.۲. گریه

گریستن در اشعار شهریار نشان از شوق و هجران، اندوه و غم و دوری عشاق و یا ناشی از پشیمانی و عذرخواهی است که به صورت‌های متفاوت ترسیم شده است:

جز در صفای اشک دلم وا نمی‌شود باران به دامن است هوای گرفته را
(همان: ۹۰)

دردانه‌ام به دامن غلتید و اشکم از شوق لرزید چون ستاره کز باد صبحگاهی
(همان: ۴۲۸)

گوش کن ناله این نی که چو لالای نسیم اشک‌ریزان به نوای بم و زیر آمده است
(همان: ۱۱۲)

شب است و چشم من و شمع اشکبارانند	مگر به ماتم پروانه سوگوارانند
(همان: ۲۱۹)	
اشکش چکید و دیگرش آن آبرو نبود	از آبرفته هیچ نشانی به جو نبود
اشکش نمی‌مکیدم و بیمار عشق را	جز بغض نیز دست و دل شستشو نبود
(همان: ۲۳۰)	
در غمت داغ پدر دیدم و چون در یتیم	اشکریزان هوس دامن مادر کردم
(همان: ۲۹۶)	
فرود آ ای عزیز دل که من از نقش غیر تو	سرای دیده با اشک ندامت شست‌وشو کردم
(همان: ۲۹۴)	
یاری ز طبع خواستم اشکم چکید و گفت	یاری ز من بجوی که با این روانی‌ام
(همان: ۳۳۱)	

۳.۱.۶.۲. حالت ابروها و پیشانی

دیوان شهریار سرشار از بیان حالت‌های ابرو و پیشانی است که به صورت مستقیم و غیرمستقیم به کاررفته است. این موارد پس از ارتباطات چشمی، بیشترین کاربردها را در اشعار شهریار دارد و به نظر می‌رسد که این فراوانی، متناسب با ویژگی‌های فرهنگی جامعه ایرانی است؛ زیرا در فرهنگ ایرانی نیز برخلاف جوامع اروپایی، حرکت‌های چشم و ابرو و پیشانی درصد بیشتری از کانال‌های ارتباطی غیرکلامی را نسبت به سایر اندام به خود اختصاص می‌دهد:

با چون منی نازک خیال ابرو کشیدن از ملال زشت است ای وحشی غزال اما چه زیبا می‌کنی

(همان: ۴۲۲)

گره گشودن از پیشانی / گره از جبین گشودن که به نوعی همراه شدن و هم‌نشین شدن و دوری از کج‌خلقی‌های مرسوم معشوق اشاره دارد. این مفهوم در میان غزلی عاشقانه آمده است:

گر از من زشتی‌ای بینی به زیبایی خود بگذر تو زلف از هم گشایی به که ابرو در هم اندازی

(همان: ۴۰۰)

یاد آن زمان که گر به دو ابرو زدی گره از کار بسته هم گرهی می‌گشاد از او

(همان: ۳۶۶)

۴.۱.۶.۲. ارتباطات چشمی

بیشترین کاربرد ارتباطات غیرکلامی در اشعار شهریار، ارتباطات چشمی است که در این باره سعی شده است تا حد امکان، مضامین مرتبط ارتباطی آن شناسایی شوند. مطالعه پیام‌های فرستاده شده توسط چشم، شامل تماس چشمی، چشمک، حرکت‌های چشم و بزرگ شدن مردمک چشم، همواره توجه ویژه پژوهشگران علوم ارتباطات را به خود جلب کرده است. در شعر شهریار می‌توان دسته‌بندی‌هایی شامل مصادیقی همچون چشم‌انظار بودن، چشم مست، چشم نگران، چشم خمار، چشم خونین، غمزه چشم، چشم سیاه، نگاه زیرچشمی، گوشه چشم داشتن، ناوک چشم و... را درباره ارتباطات چشمی بیان کرد:

به رهگذار تو چشم انتظار خاکم و بس که جز مزار تو چشمی در انتظارم نیست
(همان: ۱۲۹)

ای چشم خمارین که کشد سرمه خوابت وی جام بلورین که خورد باده نابت
(همان: ۱۰۰)

باری این موی سپیدم نگر ای چشم سیاه گر به پرسیدن این بخت سیاه آمده‌ای
(همان: ۳۷۸)

چشمی به رخت دوخته‌ام باز که شاید باز آیی و برهانی‌ام از چشم به‌راهی
(همان: ۴۳۱)

چشم (نرگس) مست، خمار، شهلا، نگران و بیمار و مشابه آن از پرکاربردترین ترکیب‌های شعر فارسی است که شهریار نیز خود از پیشروان استفاده از این ترکیب‌ها به شمار می‌رود. تعداد این ترکیب‌ها بسیار زیاد است. بیت‌های زیر از جمله کاربردهای این نوع از ارتباطات غیرکلامی است:

چشم نرگس نگران است ولی داغ شقایق چشم خونین شفق بیند و ابر مه آزار
(همان: ۲۵۲)

بانگ اذان است و چشم مست تو بینم در خم محراب ابروان به امامت
(همان: ۱۴۵)

غمزه ساقی که در معنایی دلبرانه به کار می‌رود و تقریباً با موارد بالا یکسان است؛ در عنوانی جداگانه آورده شده؛ زیرا این حالت‌ها در مقایسه با «چشم شهلا» و «چشم بیمار» و مانند این‌ها از نظر ارتباطات، حالتی ارادی دارد، درحالی که کسی که چشم شهلا یا چشم مست دارد، نوعی حالت غیرارادی و خدادادی به شمار می‌آید و خارج از اراده صاحب جمال است:

تیر از غمزه ساقی سپر از جام شراب با کماندار فلک جنگ و جدالی کردیم
(همان: ۳۲۵)

گوشه چشم بر کسی یا چیزی داشتن:

مگر از گوشه چشمی دگر طرحی دگر ریزی که از آن یک نظر بنیاد من زیروبر کردی
(همان: ۳۸۸)

۵.۱.۶.۲. حالت‌های لب و دهان

ترکیب‌هایی از حالت‌های لب و دندان ایجاد می‌شود که به معنا سازی در اشعار شهریار کمک می‌کند. درواقع ترکیب‌های لب و دهان علاوه بر بیان احساسات روحی و درونی، پیکره منظم ارتباطات اجتماعی را نیز شکل می‌دهند. نکته جذاب و قابل توجه در تلاش بیکران شهریار این است که لب و دهان با پیکربندی درونی و بیرونی کنشگر و مخاطب همراه می‌شوند و روند فعال تفسیر را شکل می‌دهند. در این مورد بارها ملاحظه می‌شود که علائم یکسان، توانایی برقراری ارتباطات متنوع را به لحاظ روانی، اجتماعی و فرهنگی شکل داده‌اند. اینک در گزاره‌های زیر به چگونگی این رخداد ادبی - اجتماعی در پیکربندی ارتباطات توجه می‌کنیم:

ماه عبادت است و من با لب روزه‌دار ازین قول و غزل نوشتنم بیم گناه کردن است
شهریار: ۱۱۰

تا گوشوار ناز گران کرد گوش تو لب و نشد به شکوه ز بی هم‌زبانی‌ام
(همان: ۳۳۱)

لب به دندان گزیدن: صورتی از ارتباط غیرکلامی است که می‌تواند حامل پیام‌هایی نظیر نهی کردن از گفتار و کردار، حیرت و شگفتی، غم و اندوه و یا خشم باشد. دست‌به‌دهان گرفتن، دست به دندان گزیدن، لب ورچیدن، انگشت‌به‌دهان ماندن و... از صورت‌های دیگر بیان این حالت‌هاست که در ادبیات به‌کاررفته‌اند. مانند این بیت:

دارم چو شمع سرّ غمش بر سر زبان لب می‌گزد چو غنچه خندان که خامشم
(همان: ۳۱۰)

۶.۱.۶.۲. رنگ رخسار

رنگ چهره به دلیل ویژگی نمایشی و جنبه بصری قابل‌ملاحظه‌اش، نقش مهمی را در ارتباط غیرکلامی و افشای هیجانات ایفا می‌کند. سه رنگ اصلی چهره در تعابیر: ۱- زردروی: در بافت‌های مختلف با معنایی چون بیمار و ضعیف‌حال، ترسان و هراسان، غمناک و اندوهگین، محروم و ناامید، شرمسار و خجالت‌زده و نشان عاشق راستین؛ ۲- سرخ‌روی: با معنی‌های خشمگین، شادمان، سالم و تندرست، شرم و تشویش؛ ۳- ارغوانی: با معنی‌هایی چون گناهکار و رسوا بسیار موردنظر شاعران ما بوده است. معمولاً رنگ زرد و سیاه و لاجورد برای توصیف هیجان‌های منفی و رنگ سرخ و ارغوانی جهت توصیف و نمایش هیجان‌های مثبت به کار می‌رود (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۲۲۷). شهریار، رنگ رخسار را بیشتر در سه معنا به‌کاربرده است:

شراب ارغوانی چاره رخسار زردم نیست بنام سیلی گردون که چهارم ارغوانی کرد
(شهریار، ۱۴۰۱: ۱۷۳)

خلقم به روی زرد بخندید و باک نیست شاهد شوای شرار محبت که بی‌غشم
(همان: ۳۱۰)

آن را که دل به سیم خیانت نشد سیاه با خون سرخ رنگ شود روی زرد او
(همان: ۳۶۶)

نه من به سیلی خود سرخ می‌کنم رخ و بس به بزم ما رخی از باده ارغوانی نیست
(همان: ۱۳۶)

۲.۶.۲. وضع ظاهری و حالت‌های بدن

از دید ارتباطات غیرکلامی، لباس و ظاهر، اغلب پایه‌ای برای قضاوت اولیه در مورد افراد است و تأثیر شگرفی بر قضاوت‌های دیگران نسبت به شخص دارد. این شاخه از ارتباطات غیرکلامی امروزه در مباحث مربوط به مدیریت بدن و زبان بدن موردتوجه قرار می‌گیرد. بیردوسل برای نخستین بار واژه مطالعات از طریق حرکات‌های بدن را به علم ارتباطات معرفی کرد. دوسل تخمین زده است که بیش از هفت‌صد هزار علامت فیزیکی ممکن وجود دارد که از طریق حرکات‌های اعضای بدن می‌توان به آن‌ها دست‌یافت و مفاهیمی را به دیگران منتقل کرد (فربودنیا، ۱۳۹۲: ۹۶). در میان تمام حالت‌ها و توصیف‌های غیرکلامی، شهریار در توصیف حالت‌های ظاهری و حالات بدن و آن‌چنانکه خواهیم دید در توصیف صحنه، فضا و دکوپاژ بیشترین مهارت را به کار بسته است. هرچند در مورد دوم بهترین نوع از آن در ادبیات فارسی نیست؛ اما در مورد نخست، به‌کارگیری به‌موقع و شورانگیز این توصیف‌ها، بخش مهمی از بار ملاحظت و زیبایی اشعار را برعهده‌گرفته است. توصیف لباس و وضع ظاهری و همچنین شرح حالت‌های بدن که معمولاً درباره بلندی قد و زلف است، از مهم‌ترین کاربردهایی است که در این بخش موردتوجه قرارگرفته است. بیت زیر که پیش‌ازاین نیز درباره آن سخن گفتیم، یکی از بهترین نمونه‌های کاربرد هم‌زمان و متواتر وضع ظاهری و حالت‌های بدن است:

سر به صحرا نهد آشفته تر از باد بهار هر که با آن سر زلفش سر سودا باشد
(شهریار، ۱۴۰۱: ۱۸۱)

با چنگ خدایان خیز آشفته و شورانگیز ای زهره شهر آشوب ای شهره شیدایی
(همان: ۴۳۲)

بیت زیر هم نمونه مناسبی برای این منظور خواهد بود که در آن هم حالت بدنی و هم وضع ظاهری و لباس تشریح شده است:

چشم دارم که تو با نرگس خواب آلوده در دل شب به سراغ من بیدار آیی
(همان: ۴۳۳)

هوای پیرهن چاک آن پری است که ما را کشد به حلقه دیوانگان جامه دریده
(همان: ۳۷۷)

۳.۶.۲. شرایط محیطی

بسیاری از ارتباط شناسان از اهمیت شرایط محیطی در ارتباطات، به طور کامل آگاه‌اند و معتقدند شرایط محیطی مختلف می‌تواند معانی مختلفی را از موضوعی خاص متجلی کند. درواقع یک معنا در شرایط مختلف مکانی و زمانی می‌تواند معانی متفاوتی را برای افراد مختلف آشکار سازد. در این بخش به مواردی خواهیم پرداخت که شهریار در آن‌ها به تشریح و توصیف صحنه‌ای که اتفاق اصلی داستان شعر در آن رخ می‌دهد، می‌پردازد. شهریار در جاهای مختلف از فن فضا سازی، اعم از نور و سردی و گرمی هوا و نیز چینش این صحنه‌ها استفاده کرده است. در بسیاری از بیت‌ها می‌توان تشبیه‌های «مجلس انس» را یافت که در آن‌ها شهریار با مهارت کامل در وصفشان کوشیده است. از بارزترین توصیف‌های شرایط محیطی در شعر شهریار می‌توان بیت زیر را نام برد که در نهایت ظرافت در توصیف فضا و صحنه به کار گرفته است:

ماه‌م به نظر در دل ابر متلاطم چون زورقی افتاده به گرداب برآمد
(همان: ۱۹۵)

صفای مجلس انس است شهریارا باش که تا حبیب به ما ننگرد به چشم رقیب
(همان: ۱۰۰)

۴.۶.۲. عوامل بویایی

مطالعه دقیق ارتباط بین فردی از طریق شامه با وجود اهمیت زیادی که دارد، در پژوهش‌های ارتباطی نادیده گرفته شده است. توصیف عوامل بویایی در شعر شهریار بسیار پرکاربرد است. باید گفت که چندین مورد از عوامل مختلف بویایی نظیر: عطر، بو، مشام و شمیم در این ابیات به کاررفته است:

با رنگ و بوی ای گل گل رنگ و بو ندارد با لعل آب حیوان آبی به جو ندارد
(همان: ۱۵۹)

دگر به حجره نگنجد دماغ سودایی که با نسیم سحر بوی زلف یار آمد
(همان: ۱۹۵)

ای باد در شکنج سر زلف او مپیچ هرچند بوی مشک به توچال می‌بری
(همان: ۳۹۷)

نکته باغ گل و نزهت نارنجستان از نسیم بنوازند مشام ای شیراز
(همان: ۲۵۹)

۵.۶.۲. اشارات و حرکت‌های دست‌ها و پاها

در زندگی روزمره شاید بارها به این نتیجه رسیده باشیم که بسیاری از آدم‌ها با دست‌های خود سخن می‌گویند؛ به این معنی که آن‌ها با حرکت‌های مختلف بدن، پیام‌های گوناگونی را به مخاطبان خود القا کرده‌اند و از این طریق با آنان ارتباط مؤثری برقرار می‌کنند. در شعرهای شهریار حالت‌های دیگر اعضای بدن به عنوان ابزاری مهم در ارتباطات غیرکلامی، چه از نظر تعداد و چه از نظر تنوع، هرگز به کاربردهای حرکت‌های چهره نمی‌رسد.

کلاه/ دستار: کلاه برانداختن درواقع نشانه تعظیم و فروتنی است:

کله جا ماندش اینجا و نیامد دیگرش از پی نیاید فی‌المثل آری گرش افتد کلاه اینجا

(همان: ۷۱)

کلاه بفکن و بر خاک نه سر نخوت که مهر و ماه بر این در سران بی‌کله‌اند

(همان: ۲۲۶)

آسمان را ز سر افتاد کلاه خورشید به سلام تو که خورشید کلاه آمده‌ای

(همان: ۳۷۸)

در پیچ و خم و تاب بودن از زلف:

در پیچ و خم و تابم از آن زلف خدا را ای زلف که داد این همه پیچ و خم و تابت

(همان: ۱۰۰)

شانه زدن زلف:

شانه زد زلف جوانان چمن باد بهار تا تو پیرانه‌سر ای دل به سر کار آیی

(همان: ۴۳۳)

۶.۶.۲. فاصله‌های ارتباطی

میشل آرگیل و همکارانش معتقدند که یکی از نیازهای بزرگ برای ادامه تبادُل در میان شرکت‌کنندگان در یک ارتباط، ایجاد یک سطح راحتی از محرم بودن است. آن‌ها محرم بودن را به عنوان محصول نگاه خیره، فاصله فیزیکی و حضور لبخند در رفتارهای یکدیگر تعریف می‌کنند. به عنوان مثال، هرچه فاصله نزدیک‌تر باشد، کمتر به چهره نگاه می‌کنند (محسنیان راد، ۱۳۸۵: ۲۸۰). ادوارد هال نیز با سهم قائل شدن برای فرهنگ‌های مختلف، به مطالعات مربوط به فضا و فاصله می‌پردازد و آن را هم‌جواری می‌نامد که دلالت بر فاصله بین دو یا چند نفر در ارتباط اجتماعی دارد (فریودنیا، ۱۳۹۲: ۹۷). درمجموع می‌توان گفت، در علوم ارتباطات و پژوهش‌های اجتماعی، فاصله فیزیکی بین فرستنده و گیرنده در ارتباطات غیرکلامی اهمیت زیادی دارد و معمولاً دسته‌بندی زیر در مورد این فاصله صورت می‌گیرد: فاصله صمیمی، فاصله شخصی، فاصله اجتماعی و فاصله عمومی

در اشعار شهریار فاصله‌های ارتباطی کمتر نمونه‌های توصیفی دارند؛ بنابراین برای درک این فاصله‌ها باید به برداشت‌های عمومی از این اشعار قناعت کرد. البته این برداشت‌ها با توجه به وجود جنبه‌های خصوصی و اجتماعی شعر شهریار می‌تواند متفاوت باشد، اما در بسیاری از این بیت‌ها به راحتی می‌توان فاصله ارتباطی را با توجه به لحن کلام و یا واسطه ارتباط به دست آورد.

۱.۶.۶.۲. فاصله صمیمی

این فاصله ارتباطی در شعر شهریار را بیشتر باید در اشعار عاشقانه او جستجو کنیم؛ زیرا این نوع فاصله بیشتر بیانگر شخصی‌ترین حالت‌های افراد در شعر است و ما نیز با توجه به همین موضوع، اشعار عاشقانه شهریار را بستی برای ظهور فاصله صمیمی در نظر می‌گیریم. واژگانی چون بوسه، آغوش و همچنین بیان رازها در این نوع فاصله اتفاق می‌افتد؛ زیرا به گفته شهریار:

می‌روم تا که به صاحب‌نظری باز رسم محرم ما نبود دیده کوتاه‌نظران
(شهریار، ۱۴۰۱: ۳۳۷)

البته باید توجه داشت که کاربرد این واژه‌ها در هر جای شعر، الزاماً بیانگر فاصله صمیمی نیست و ممکن است تنها توصیفی ساده، رخ داده باشد. بیت زیر را که به‌طور مشخص از غزلی عاشقانه انتخاب شده است، می‌توان به‌عنوان نمونه‌ای برای بیان فاصله صمیمی در شعر شهریار مطرح کرد:

بوسه تو به کام من کوه‌نورد تشنه را کوزه آب زندگی توشه راه کردن است
(همان: ۱۱۰)
لب بر لبم بنه به نوازش دمی چونی تا بشنوی نوای غزل‌های دلکشم
(همان: ۳۱۰)
سوز دلم حکایت ساز تو می‌کند لب بر لبم بنه که برآرم چو نای وای
(همان: ۳۷۸)
دست با دوست در آغوش نه حد من و توست منم و حسرت بوسیدن خاک پای
(همان: ۴۴۰)

۲.۶.۶.۲. فاصله شخصی

این فاصله را می‌توان نوعی گفتگوی دونفره نیمه محرمانه و شخصی در نظر گرفت که بیشتر بین دو دوست صمیمی و درعین حال با صمیمیتی کمتر از نوع پیشین رخ می‌دهد. در این مورد پیشتر درباره نقش باد صبا در مجموعه اشعار شهریار سخن گفتیم. در اینجا نیز لازم است نقش هاتف غیب را که در بسیاری مواقع با عنوان بشارت‌دهنده عمل می‌کند، تبیین کنیم؛ زیرا هاتف با وجود تفاوت‌هایی که با باد صبا دارد و البته به‌صورت موازی، نقش دریافت و فرستادن پیام را برعهده دارد، با این تفاوت که دارای حریمی محدودتر و صرفاً پیام‌آورنده از عالم غیب است، باد صبا نقشی عمومی‌تر و بیشتر پیام‌رسان به دیگران در فضایی عمومی را ایفا می‌کند؛ بنابراین می‌توان هاتف (ندای غیب) را در شعر شهریار با عنوان نماینده فاصله ارتباطی شخصی در مکالمات و نقل‌قول‌ها در نظر گرفت:

من روی دل به کعبه کوی تو داشتم کآمد ندای غیب که این است راه تو
(همان: ۳۶۹)

۳.۶.۶.۲. فاصله اجتماعی

فاصله اجتماعی را می‌توان در مکالمه‌های گروهی کوچک جستجو کرد؛ زیرا این گروه‌ها نسبت به فاصله شخصی دارای ابعاد رسمی بیشتری هستند و درعین حال ضوابط و روابط اجتماعی نیز بر آن‌ها حاکم است. به عبارت دیگر می‌توان این دسته را به دلیل وجود مشترکات گروهی نیز بررسی کرد. حتی می‌توان یک گام پیشتر رفت و رهبران فکری گروه‌ها را در این

فاصله‌ها نیز جستجو کرد. بیت زیر علاوه بر اینکه نمایانگر یک فاصله ارتباطی اجتماعی است، نقش «راهبر» را که رهبر فکری گروه به شمار می‌آید، نیز مشخص می‌کند:

به کلیسا روی و مسجدیانت در پی چه خیالی مگر ای دختر ترسا داری
(همان: ۳۹۳)

۴.۶.۶.۲. فاصله عمومی

این نوع فاصله در شعر شهریار بسیار در دسترس و مشهود است؛ زیرا شهریار در اشعار خود با توجه به جنبه‌های جهان‌بینی که در آن یافت می‌شود، درواقع عموم مردم جهان را مورد خطاب خود قرار می‌دهد. باد صبا در این میان نقشی اساسی ایفا می‌کند و شهریار بیشتر با استفاده از پیام‌رسانی همچون او پیام‌هایی را به افرادی با فاصله‌های ارتباطی عمومی می‌فرستد؛ مانند بیت زیر:

به امید آنکه شاید برسد به خاک پایت چه پیام‌ها سپردم همه سوز دل صبا را
(همان: ۶۹)
ای صبا گر دیدی آن مجموعه گل را بگو خوش پراکندی ز هم شیرازه آمال من
(همان: ۳۶۹)

۳. نتیجه‌گیری

این مقاله غزلیات شهریار را با نگاه جامعه‌شناسی و ارتباطات موردبررسی قرار داده است. با این نگاه، علاوه بر دستیابی به مصداق‌های بارز و عمومی ارتباطات غیرکلامی مانند فاصله‌گذاری‌ها، تشریح حالت‌ها، جایگاه اجتماعی گوینده و مخاطب و مبحث سکوت، تلاش شد با ورود به سرفصل‌هایی جدیدتر، پنجره‌هایی برای توسعه دیدگاه ارتباطات غیرکلامی در ادبیات گشوده شود. در ارتباطات غیرکلامی، دسته‌بندی‌های متفاوت فاصله‌های ارتباطی مورد تأکید قرار گرفته است. با توجه به حاکم بودن دیدگاه تفسیری و ارتباطی، تلاش شد فاصله‌های ارتباطی که به نظر می‌رسد محصول لحن‌های برداشتی نیز باشند، در چهار دسته فاصله صمیمی، فاصله شخصی، فاصله اجتماعی و فاصله عمومی مورد بررسی قرار گیرند. البته به واسطه اختلاف زمینه‌های فرهنگی و تفسیری، احتمالاً در این گونه برداشت‌ها اختلاف‌نظرهایی نیز در میان مخاطبان وجود خواهد داشت (سلک، ۲۰۰۰: ۱۴) و این نمونه برداشت‌ها الزاماً بهترین آن نخواهد بود، بلکه هدف از طرح این مسأله، ایجاد تفکری جدید در جهت ایجاد بستر نشانه-معناشناسانه در برخورد با ادبیات بوده است.

به‌علاوه توجه به ماهیت زندگی اجتماعی- فرهنگی، ضرورت نگه‌داشتن ارتباطات تعاملی را در ذهن ثابت کرده است. در تعامل اجتماعی - فرهنگی هنگامی که فرآیند ارتباطی برقرار می‌شود، فرآیند معنی‌سازی و معنی‌رسانی از طریق نشانه‌ها فعال می‌شود. می‌دانیم که نشانه‌ها دارای شکل و فرم هستند و این اشکال و فرم‌ها در معرض برداشت‌های تفسیری قرار می‌گیرند (شروین، ۱۹۹۵: ۱۹). همچنین می‌دانیم که نشانه به مفهومی غیر از خود اشاره می‌کند و به همین سیاق، معانی متفاوت و گوناگون با ذات خود را تعقیب می‌کند. توجه به این دو ویژگی، ما را متوجه این کار بزرگ شهریار کرد که او چگونه بدون گفتن و نگارش و با تدوین شکل و قواره اعضای بدن توانسته است مدرسه معناشناسی، معنا فرستی و معنا فهمی را تدوین کند. این کار بزرگ شهریار به زیبایی، معانی موجود ولی ناپیدای زبان و فرهنگ را به هم پیوند داده و ضمن برقراری خویشاوندی بین زبان‌شناسی و فرهنگ، نیاز متقابل آن‌ها به یکدیگر را نشان می‌دهد.

نکته دیگری که از این اندیشه ژرف شهریار به لحاظ فرهنگی، اجتماعی و ارتباطی فهمیده می‌شود، توجه به نشانگر بودن حالت‌های بدنی است. نشانگر بودن به این معنا که عضو خاص موردنظر، شکلی را به خود می‌گیرد که تابع فضا و مکان است.

فضای اولیه و مکان اولیه را شهریار می‌دهد؛ اما کنشگر بر مبنای خود فاعلی خود این فضا و مکان را تغییر می‌دهد و به همین سبب، شکل پیام‌رسانی اگرچه ثابت می‌ماند، ولی مفهوم آن در چرخه تفسیر نوین قرار می‌گیرد (مک‌گیو، ۲۰۰۴: ۸۲) و به این مفهوم، محتوایی را که بازنمایی می‌شود در عین یکسان نگه‌داشتن شکل و فرم، تغییر می‌دهد. به این لحاظ در این مقاله نویسندگان به زیبایی ساخت‌ها، کارکردها، نشانه‌ها و معانی و در نهایت تفسیر آن‌ها به صورت غیرکلامی توجه داشته‌اند.

منابع

- آرژیل، مایکل (۱۹۹۰). *روانشناسی ارتباط و حرکات بدن*. ترجمه مرجان فرجی. تهران: مهتاب.
- برکو، روی‌ام؛ ولوین، اندرو دی؛ ولوین، دارلین آر (۱۳۸۲). *مدیریت ارتباطات فردی و عمومی*. ترجمه سید محمد اعرابی و داوود ایزدی. چاپ سوم. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۹۵). *دیوان*. به کوشش سایه. تهران: کارنامه.
- سجودی، فرزاد (۱۳۷۸). *نشانه‌شناسی کاربردی*. تهران: علم.
- سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۸۵). *کلیات*. تصحیح محمدعلی فروغی. تهران: هرمس.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۳). *موسیقی شعر*. چاپ ششم. تهران: آگاه.
- شهریار، سیدمحمدحسین (۱۴۰۱). *کلیات دیوان شهریار*. چاپ شصت و یکم. تهران: نگاه.
- صائب، محمدعلی (۱۴۰۲). *دیوان*. دو جلد. چاپ یازدهم. به اهتمام جهانگیر منصور. تهران: نگاه.
- عطاری، فریدالدین (۱۳۹۵). *تذکره‌الاولیاء*. تصحیح محمد استعلامی. تهران: زوار.
- عطاری، فریدالدین (۱۴۰۱). *مصیبت‌نامه*. تصحیح محمدرضا شفیع کدکنی. چاپ دهم. تهران: سخن.
- فرانزوی، استفن آل (۱۳۸۶). *روانشناسی اجتماعی*. ترجمه مهرداد فیروز بخت. چاپ سوم. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی.
- فرمودنیا، بابک (۱۳۹۲). *نظریه‌ها و مفاهیم ارتباطات در روابط عمومی، روزنامه‌نگاری و تبلیغات*. تهران: مکتب ماهان.
- فرهنگی، علی‌اکبر (۱۳۷۵). *ارتباطات غیرکلامی: هنر استفاده از حرکات و آواها*. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد میبد.
- فرهنگی، علی‌اکبر؛ آذری، غلامرضا (۱۳۸۵). *تحلیل محتوای ارتباطات غیرکلامی در بین کم‌دین‌های سینمای صامت کلاسیک هالیوود*. نشریه هنرهای زیبا. ۱۰ (۲۵)، ۸۷-۹۶.
- قبادی، علیرضا (۱۳۸۵). *تفسیر اجتماعی فولکلور قوم ترکمن*. رساله دکتری. دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه تهران. تهران: ایران.
- محسنیان راد، مهدی (۱۳۸۵). *ارتباط‌شناسی: میان فردی، گروهی، جمعی*. تهران: سروش.
- مشیری، فریدون (۱۴۰۲). *بازتاب نفس صبح‌مان*. دو جلد. چاپ بیست و یکم. تهران: چشمه.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۸۷). *مثنوی معنوی*. تصحیح رینولد نیکلسون. تهران: فراروی.
- نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف (۱۳۸۶). *شرفنامه*. تصحیح بهروز ثروتیان. تهران: امیرکبیر.
- نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف (۱۳۸۹). *لیلی و مجنون*. تصحیح بهروز ثروتیان. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.

References

- Argyle, M. (1990). *Ravānshenāsi-ye Ertebāt va Harekāt-e Badan [Bodily Communication]*. M. Faraji (Trans). Tehran: Mahtāb.
- Atar, F. (2022). *Mosibatnameh*. Mohammad Shafi'i kadhani (Corr.). 10th Edition. Tehran: Sokhan.
- Berko, R.M.; Wolvin, A.D. & Wolvin, D.R. (2001). *Modiriyat-e Ertebātāt-e Fardi va Omumi [Communicating: A Social and Career Focus]*. S. M. A'rābi & D. Izadi (Trans.). 3rd Edition. Tehran: Daftar-e Pažuhešhā-ye Farhangi.
- Dadju, D. (2007). *Musiqi-ye Se're Hāfez [Music of Hafez Poetry]*. Tehran: Enteshārāt-e Zarbāf-e Asl.
- Farbodniya, B. (2013). *Nazariyehā va Mafāhim-e Ertebātāt dar Ravābet-e Omumi, Ruznāmenegāri va Tablighāt [Theories and Concepts of Communications in Public Relations, Journalism and Advertisement]*. 1st Edition. Tehran: Enteshārāt-e Maktāb-e Māhān.

- Farhangi, A. A. (1996). *Ertebātāt-e Gheyr-e Kalāmi [Nonverbal Communications: The Art of Kinesics and Vocal Cues]*. Tehran: Islamic Āzad University, Meybod Branch.
- Farhangi, A. A. & Azari, Gh. (2006). Tahlil mohtavā-ye ertebātāt-e gheyr-e kalāmi dar beyn-e komediyanhā-ye sinamā-ye sāmet-e kelāsik-e hālivud [Analysis of nonverbal communication among the comedian actors of classic Hollywood silent cinema]. *Honarhā-ye Zibā*. 10 (25), 86-97.
- Franzoi, S. L. (2008). *Ravānshenāsi-ye Ejtemāi [Social Psychology]*. M. Firuzbax (Trans.), 3rd Edition. Tehran: Mo'assese-ye Xadamāt-e Farhangi.
- Karen, M.; Leonard, J.; Scoter, R. V. & Padilla, F. (2009). Culture and communication: Cultural variations and media effectiveness. Indiana University Administration and Society. *Sage Journals*. 41 (7), 850-877.
- McGee R. J. & Warms, R. L. (2004). *Anthropological Topological: An Introductory History*. 3rd Edition. McGraw-Hill, USA: New York.
- Mohseniyan Rad, M. (2007). *Ertebātshenāsi: Miānfardi, Goruhi, Jam'i [Communicology: An Innovative Definition and Model for Communication Process]*. Tehran: Soruś.
- Moshiri, F. (2023). *Reflection of the Morning Breath*. 2 Vol. 21st Edition. Tehran: The Fountain.
- Moulana, J. (2008). *Masnavi*. Reynoldt Nicholson (Corr.). Tehran: Fararooy.
- Nezami Ganjavi, E. (2007). *Sharafnameh*. Behrooz Servatian (Corr.). Tehran: Amir Kabir.
- Nezami Ganjavi, E. (2010). *Leili and Majnoon*. Behrooz Servatian (Corr.). 2nd Edition. Tehran: Amir Kabir.
- Qobadi, A. (2007). *Tafsir-e Ejtemā'i-ye Folklor Qowm-e Torkman [The Social Picture of Torkman Trib]*. (Unpublished Doctoral Dissertation). University of Tehran. Faculty of Social Sciences. Tehran. Iran.
- Sell, D. R. (2000). *Literature as Communication*. John Benyamin publishing, Amsterdam: Nederland.
- Shafi'i Kadkani, M. R. (2005). *Musiqi-ye She'r [Music of Poetry]*. 6th Edition. Tehran: Āgah.
- Sherwin J.S. (1957). Literature and communication: A search for unifying principle. *Journal of Communication*. 7 (2), 74. doi: 10.1111/j.1460-2466.1957.tb00260.x
- Sojoodi, F. (2008). *Nešāne Shenāsi-ye Kārbordi [Applied Semiotics]*. Tehran, Iran: Elm.

نحوه ارجاع به مقاله:

داس زرین، جمشید؛ اسکویی، نرگس؛ داداشی، حسین (۱۴۰۳). نقش ارتباطات غیرکلامی در غزلیات فارسی شهریار. فصلنامه مطالعات زبان و ادبیات غنایی. ۱۴

Doi: 10.71594/lyriclit.2024.979903 ،۲۰-۳۸ ،(۵۰)

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Geography and Environmental Studies. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

